

« جزوه »

درس اصول و مبانی کارآفرینی

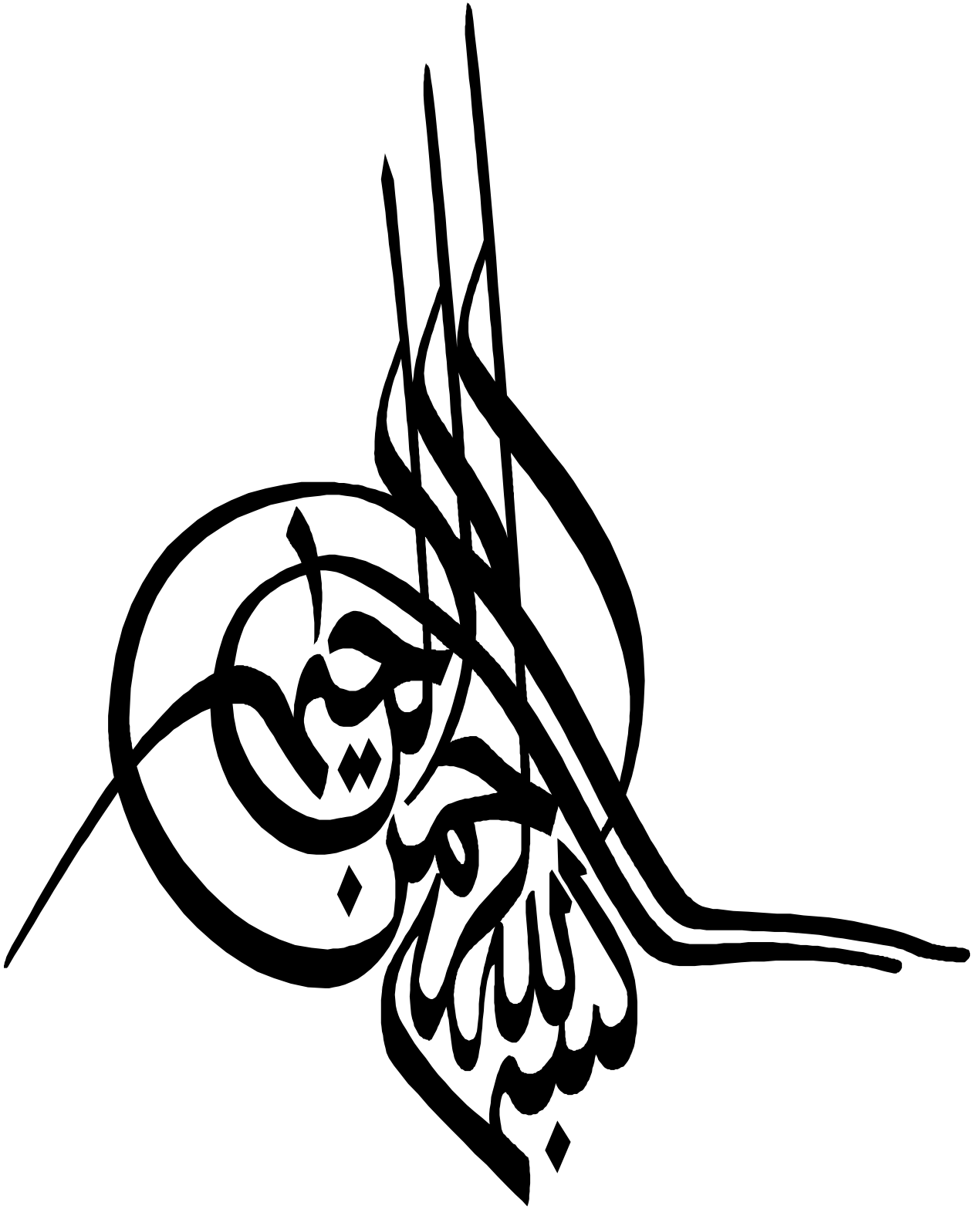
دانشگاه آزاد اسلامی

آموزشکده فنی و حرفه ای سما ، اندیشه

نیمسال اول

سال تحصیلی ۸۷-۸۶

مدرّس : جواد بوربور



فهرست مطالب

فصل اول: کار آفرینی چیست؟ و کار آفرین کیست؟

اهمیت و ضرورت آموزش و فراگیری اصول و مبانی کار آفرینی، علل طرح فعالیت کار آفرینی در علم اقتصاد، ظهور و افول کار آفرینی در نظریه های اقتصادی، معنی لغت نامه ای اصطلاح «کار آفرین»، تعریف کار آفرین، تعریف کار آفرینی، فرآیند کار آفرینی، انواع کار آفرینی، تفاوت بین کار آفرین و غیر کار آفرین، رویکرد ویژگیها و صفات کار آفرینان، رویکردهای رفتاری کار آفرینان.

فصل دوم: خلاقیت و نوآوری

۱-۲- تعریف خلاقیت، ضرورت و نقش خلاقیت، فرآیند خلاقیت، توسعه خلاقیت و موانع آن

۲-۲- تکنیکها و روشهای افزایش خلاقیت (Do it)، طوفان ذهنی، اسکمپر و ...

۳-۲- تعریف نوآوری، تفاوت نوآوری و خلاقیت، فرآیند نوآوری، سطوح نوآوری، انواع نوآوری.

فصل سوم: مدیریت کسب و کار (مدیریت واحدهای تجاری کوچک)

۱-۳- سازماندهی، رهبری و سازماندهی یک کسب و کار، ساختاریک کسب و کار، نیروی انسانی و بهره وری کسب و کار

۲-۳- مسائل حقوقی، قوانین و مقررات تأسیس کسب و کار کوچک، انواع شرکتهای و مسئولیت های هر یک و مفاهیم، حق انحصاری (Patent)، علامت تجاری (Trade Mark)، و کپی رایت، آشنایی با مقررات واردات و صادرات.

۳-۳- امور مالی: آئین نامه ها و مقررات مالی، سیستمهای مالی دولتی، نحوه کنترل های مالی و حسابداری.

۴-۳- بازاریابی: آشنایی با عوامل مهم بازاریابی (محصول، محل، قیمت، توسعه آنی) و نقش آن در استراتژی بازاریابی، شناخت محیطهای رقابتی مشتری مداری، کیفیت نوع آوری خدمات ...

۵-۳- روشهای ... مشاغل ... سرمایه گذارهای (همکاریهای) مشترک، مجوزهای خارجی، امتیازها و موقعیتهای بین المللی، تجارت متقابل، صادرات.

۶-۳- فن آوری اطلاعات (IT) و نقش آن در توسعه کسب و کار.

فصل چهارم: فرهنگ کسب و کار

۱-۴- ... هنجارهای غالب بر محیط کسب و کار موفق.

۲-۴- راه کارهای توسعه فرهنگ کار آفرینی.

۳-۴- فرهنگ کار در ایران و سایر کشورها.

فصل پنجم: طرح کسب و کار (نمونه)

۱-۵- تعریف طرح تجاری ۲-۵- طرح تجاری ... ۳-۵- کلیات طرح تجاری. ۴-۵- جزئیات طرح تجاری، فرآیند طرح تجاری ...

طلب استمداد و یاری

بارالهی ، اکنون که براین کاربزرگ ومهم ، مأمورم نمودی :

اولاً : «... رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي وَيَسِّرْ لِي أَمْرِي وَاحْلُلْ عُقْدَةً مِنْ لِسَانِي يَفْقَهُوا قَوْلِي»^۱

... پروردگارا : شرح صدرم عطا فرما و کار مرا آسان گردان و عقده از زبانم بگشا تا مردم سخنم را بفهمند .

ثانیاً : «... رَبِّ ادْخِلْنِي مُدْخَلَ صِدْقٍ وَأَخْرِجْنِي مُخْرَجَ صِدْقٍ وَاجْعَلْ لِي مِنْ لَدُنْكَ سُلْطَانًا نَصِيرًا»^۲

... بارالها : مرا همیشه و همه جا « بویژه دراین کارمهم » بقدم صدق داخل و بقدم صدق خارج گردان و بمن ازجانب

خود بصیرت و حجّتِ روشنی که دائم یارو مددکار باشد ، عطا فرما .

^۱ - قرآن کریم ، سوره طه ، آیات ۲۸-۲۵ .

^۲ - قرآن مجید ، سوره الاسراء - بنی اسرائیل - آیه ۸۰ .

سخنی با خواننده

به نام آنکه از "تألیف" و "ترکیب" معمّای جهان را داد ترتیب

اولین و درعین حال ، مهمترین نکته ای که لازم است ، قبل از هر سخن و بیانی ، خواننده محترم این نوشتار بدانند ، این است که : این مجموعه ، تألیف است نه تصنیف ، بنابراین ، نباید اینگونه تصوّر نمود که هرآنچه در این جزوه نوشته شده است تنها تراوشات ذهنی و محصول فکری مؤلف است که بقول استاد ، دکترعلی اکبرسیف :

« چنین چیزی نه میسر است و نه مطلوب [زیرا] کارتألیف ، مانند کارگلچینی است . گلچین از میان یک باغ گل ، بهترین ها را برمی گزیند ، اما هنر و خلاقیت او درنظم دادن و آراستن و پیراستن دسته گلی است که از میان گلهای متنوع باغ فراهم می آورد . مؤلف نیز ، از میان آثار موجود بهترین ها را که با هدفش جور در می آیند برمی گزیند و درضمن کنارهم قرار دادن آنها ، هنرش را و ابتکارش و سلیقه اش را به کارمیگردد . » (علی اکبر سیف ، ۱۳۷۳ ، ص ۳۲) .

نگارنده این مجموعه نیز، در این نوشتار سعی نموده است که همانند یک نفر گلچین ، به باغهای گل « آثار و کتابهای موجود » سرکی بکشد و از لابلاي شاخه های سرسبز درختان گل « ورقهای کتابها » بهترین گلها « بهترین مطالب » را که با هدف مورد نظرگرد آورنده این مجموعه سازگارند ، انتخاب و دسته گلی تهیه و تدوین و خدمت همه دوستداران و علاقه مندان به دانش کارآفرینی ، تقدیم نماید .

این جزوه در وهله اول ، برای درس سه واحدی ، اصول و مبانی کارآفرینی ، جهت تدریس دانشجویان کاردانی رشته های کامپیوتر ، نقشه کشی عمومی و ... در آموزشکده ، فنی حرفه ای سما ، اندیشه و براساس سرفصلهای ارائه شده ازسوی شورای عالی برنامه ریزی دروس دانشگاهی سازمان سما ، تهیه و تدوین گردیده است . ولی مطالب آن به گونه ای تدوین شده تا بتواند برای عموم دانشجویان عزیزرشته های مختلف دانشگاهی و ... بویژه ، آحاد افراد جامعه که کارآفرینان بالقوه محسوب می شوند ولی تاکنون فرصت آشنایی با این مقوله بسیار مهم و اساسی را نداشته و اکنون نیز ، چنین فرصتی را ندارند ، اما به فراگیری آن علاقمند هستند ، مفید واقع شده و مورد استفاده قرارگیرد .

این جزوه در پنج فصل به شرح ذیل تدوین گردیده است :

فصل اول : کارآفرینی چیست ؟ و کارآفرین کیست ؟ . **فصل دوم :** خلاقیت و نوآوری ، **فصل سوم :** مدیریت کسب و کار

(مدیریت واحدهای تجاری کوچک) . **فصل چهارم :** فرهنگ کسب و کار . **فصل پنجم :** طرح کسب و کار (نمونه) .

برای تهیه این جزوه ، سه کتاب زیر بعنوان منبع اصلی مورد استفاده قرار گرفته است :

۱- کارآفرینی (تعاریف ، نظریات ، الگوها) ، تألیف دکتر محمود احمد پور داریانی .

۲- مبانی کارآفرینی ، تألیف دکتر محمود احمدپورداریانی و دکتر سید محمد مقیمی .

۳- اصول و مبانی کارآفرینی ، تألیف مهندس مهدی سعیدی کیا .

علاوه بر کتب فوق الذکر، کتبی نیز ، بعنوان منابع فرعی مورد استفاده قرار گرفته است که در ادامه ، ضمن بیان واژه نامه انگلیسی - فارسی ، مشخصات کامل آنها ، در بخش کتابنامه آمده است .

امید است این تلاش هرچند ناچیز- که در واقع جسارت و گستاخی درمقابل بزرگان ، اساتید ، علما و دانشمندان بزرگوار، رشته های مختلف علوم کارآفرینی و مدیریت می باشد ، و پوزشی را از محضر آن بزرگواران می طلبد و نیز ، بذل توجه عمیق و رهنمودهای شایسته و ارائه طریق آنان را در بهبود کیفی آن ایجاب می نماید- مورد قبول درگاه حق تعالی قرارگیرد .^۱

بدون شک ، این مجموعه دارای عیب و نقص های فراوانی است . هرچند ممکن است آن عیوب از نظر مؤلف « author » وگرد آورنده این مجموعه پنهان و پوشیده مانده و نتواسته باشد آنها را کشف و برطرف نماید ، ولی برخلاف برخی از مؤلفان ، محققان و نویسندگان ، ازاحدی نیز ، انتظار بخشش و استعدای چشم پوشی ندارد ، بلکه برعکس ، با اعتقاد کامل به اینکه انتقاد ، مایه اصلاح و تکامل است ، ازفرد فرد خوانندگان محترم تقاضا می شود به هنگام مطالعه این مجموعه ، پای را ازجاده بی اعتنایی و بی تفاوتی فراتر نهاده و شلاقیهای انتقاد و خرده گیری خود را بیرحمانه برپیکر آن فرود آورند ، و عیوب آن را کشف و پیشنهاد و نظریات خود را به آدرس Javad.bourbour@yahoo.com ارسال نمایند ، زیرا تنها ازهمین راه است که ، میتوان امیدوار بود که عیب و نقص آن برای ترمهای آینده برطرف گردد . انشاء . . .

در پایان به مصداق آنکه گفته اند :

من لم یشکر المخلوق ، لم یشکر الخالق^۱ ، بر خود لازم می دانم از زحمات همه عزیزانی که بنحوی درتهیه و

تدوین این جزوه مرا یارو مدد کار بوده ویا از کتب آنها استفاده نموده ام ، تشکر و قدردانی به عمل آورم .

^۱ - رینا تَقَبِلْ مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ . سوره بقره آیه ۱۲۷ (خدایا : این خدمت ناچیز را از ما بپذیر زیرا که تویی شنوای دانا)
^۲ - هرکس ازخلق خدا تشکر و قدردانی ننماید (در واقع) از خداوند متعال سپاسگزاری ننموده است .

فصل اول :

کارآفرینی چیست ؟ و کارآفرین کیست ؟ :

اهمیت و ضرورت آموزش اصول و مبانی کارآفرینی

بسیاری از دانشجویان دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی (و حتی فراگیران غیردانشجو) ، وقتی برای اولین بار در کلاسهای درس اصول و مبانی کارآفرینی حاضر می شوند ، سؤالاتی در ذهن آنها تداعی و گاهی اوقات نیز ، آن سؤالات را در کلاس درس مطرح می کنند ، برخی از آن سؤالات عبارتند از :

کارآفرینی چیست ؟ . چه فرآیندی دارد ؟ . کارآفرین کیست ؟ . چند نوع کارآفرین وجود دارد ؟ . کارآفرینان چه خصوصیات و ویژگیهایی دارند ؟ . (رویکرد و ویژگی ها) . کارآفرینان چه متغیرهای جمعیت شناختی (رویکرد های رفتاری) دارند ؟ . چه تفاوتی بین مدیران کارآفرین و غیرکارآفرین وجود دارد ؟ ، فراگیری اصول و مبانی کارآفرینی ، در زندگی شغلی و حرفه ای افراد جامعه چه فایده و اهمیتی دارد . ؟ آیا کارآفرینی یک شغل و حرفه محسوب می شود . یا خیر ؟ اگر پاسخ منفی است ، پس چرا اکثر دانشجویان دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی باید درسی بنام اصول و مبانی کارآفرینی را بگذرانند ؟ و خلاصه کلام اینکه ، هدف اصلی و اساسی درس اصول و مبانی کارآفرینی چیست ؟ و ...

در این کلاس و کلاسهای از این قبیل ، سعی و تلاش می شود در حدی که زمان ، شرائط کلاسی و ... اجازه می دهد ، به سؤالات بالا پاسخ داده شود . از اینرو ، ما نیز ، بخاطر هماهنگی با دانشجویان عزیز ، بحث در زمینه اهمیت و ضرورت آموزش اصول و مبانی کارآفرینی را با این سوال کلی و اساسی آغاز می کنیم که :

چرا آموزش اصول و مبانی کارآفرینی ، ضروری و سودمند بوده و چند سالی است که مورد توجه مدیران عالیرتبه

کشور قرار گرفته است ؟ . آنها ، نه تنها برای دانشجویان رشته های فنی و مهندسی که به احتمال بسیار زیاد ، تعداد کثیری از آنها ، مدیران کارآفرین و کارآفرینان آینده جامعه خواهند بود ، بلکه برای آحاد افراد جامعه که هریک به طور عام کارآفرین بالقوه محسوب می شوند . **بعبارت دیگر** ، چه عواملی باعث شده تا ، تلاشهایی در جهت آموزش و تعمیم دانش و روحیه ی کارآفرینی در بین مدیران ، تجار ، دانشجویان و دیگر افرادی که کارآفرینان بالقوه محسوب می شوند ، شدت گرفته و سیاستگذاران و تصمیم گیرندگان کلان کشور را داشته تا به پرورش مدیران کارآفرین ، بیندیشند ؟ .

پژوهشگران و نویسندگان صاحب نظر در زمینه کارآفرینی و مدیریت ، در پاسخ به سؤالات بالا ، عوامل متعددی ذکر کرده اند

که در ذیل ، تنها به چند مورد از مهمترین آنها اشاره شده است :

۱-... آشکار شدن نقش و تأثیر کارآفرینی بر روند رشد و توسعه اقتصادی و اجتماعی کشورهای توسعه یافته .

(محمود احمد پور و سید محمد مقیمی ، ۱۳۸۵ ، ص ۷) . پارسون و اسمیلر (Parson and Smelser) ، [نیز] کارآفرینی رایجی از دو شرط ضروری توسعه اقتصادی می دانند ... ژوزف شومپیتر (Joseph Schumpeter) نیز ، به علت نقش کارآفرینی در ایجاد نوآوری ، آن را محور کلیدی توسعه اقتصادی تلقی می کند . (احمد پور و مقیمی ، ۱۳۸۵ ، ص ۴۳) .

و مهندس سعیدی کیا نیز ، می گوید ... کارآفرینان محور توسعه اقتصادی بوده و با تخریب روش کهن و ناکارآمد قبلی و جایگزینی آنها با شیوه های کارآمد و نوین ، به نظام اقتصادی ، پویایی و حیات می بخشند . (مهدی سعیدی کیا ، ۱۳۸۶ ، ص ۲۰) .
[به هرحال] ، شواهدی وجود دارد که نشان می دهد علت توسعه کشورهای همچون آمریکا ، ژاپن و آلمان که از نظر صنعتی توسعه یافته اند ، کارآفرینی است ... (احمد پور و مقیمی ، ۱۳۸۵ ، ص ۴۳) .

۲-... اشتغال زایی ... و ایجاد اشتغال در مقیاس وسیع ... (احمد پور و مقیمی ، ۱۳۸۵ ، ص ۷ و ۴۳) ... تحقیقات اخیر بیانگر نقش کلیدی کارآفرینان بویژه ، در ایجاد واحدهای اقتصادی کوچک و متوسط که به اشتغال زایی بالا منجر می گردد ، می باشد ... (احمد پور ، ۱۳۸۴ ، صفحه ل) . و به نظر سعیدی کیا نیز ، [نباید] ... هرگونه اشتغالی را نتیجه یک فرآیند کارآفرینانه قلمداد نمود بلکه کارآفرینی فرآیندی است که منجر به اشتغال مولد پایدار می شود ^۱ . (سعیدی کیا ، ۱۳۸۶ ، ص ۴۷) .

۳- کاهش مشکلات بیکاری ، کارآفرینی منجر به ایجاد اشتغال در مقیاس وسیع می شود . بنابراین ، کارآفرینی مشکلات بیکاری را که ریشه ی بسیاری از مشکلات اقتصادی - اجتماعی است ، کاهش می دهد . (احمد پور و مقیمی ، ۱۳۸۵ ، ص ۴۳) .

۴- ترکیب جمعیتی جوان کشور و ضرورت ایجاد فرصتهای شغلی .

۵- لزوم رهایی اقتصاد کشور از وابستگی به مواد خام بویژه ، نفت خام . و نیز ، خروج از وضعیت اقتصاد تک محصولی ...

۶- روند های موجود در جامعه اطلاعاتی ^۲ . (احمد پور و مقیمی ، ۱۳۸۵ ، ص ۷)

۷-... کارآفرینی ، هم اکنون به عنوان یک حرفه (Profession) ، ظهور کرده و همانند دیگر حرفه ها باید توسعه یابد و از طریق برنامه های آموزشی و دانشگاهی خاصی ، مبتنی بر مطالعات رفتاری و تجربی ، پرورش پیدا کند . (احمد پور و مقیمی ، ۱۳۸۵ ، ص ۴۳) . از اینرو ، ملاحظه می شود که شمار چشمگیری از مدیران ، تجار ، دانشجویان و دیگر افرادی که کارآفرینان بالقوه محسوب می شوند ، به طرق مختلف به کسب دانش نظری و تئوری کارآفرینی و یادگیری فنون و مهارتهای عملی آن می پردازند و همه

۱- کارآفرینی سه نتیجه مفید برای جامعه دارد . نخست ثروت و رفاه . دوم نوآوری رادیکال یعنی نوآوری های تأثیرگذار در عرصه اقتصادی و سوم اشتغال مفید ... (سعیدی کیا ، ۱۳۸۶ ، ص ۴۶) ..

۲- برای اطلاع از روندهای موجود در جامعه اطلاعاتی و نیز ، سیر تکاملی جوامع از سنتی به صنعتی و نیز ، فراصنعتی یا (اطلاعاتی) به بخش کسب و کار ص ... مراجعه شود

ساله عده کثیری دانشجو جذب رشته های مختلف کارآفرینی در دانشگاهها می شوند. بنابراین اشتغال بدان مستلزم پیش آمادگی و آموزش است.

۸- کارآفرینی، کاری جذاب (Attractive - Absorbing - Charming) و تلاش برانگیز است. پیشه کارآفرینی، بالقوه جذاب و تلاش برانگیز است، زیرا که فرصت ابرازخلاقیت، رشد فکری و پرورش مهارتهای حرفه ای را تسهیل می کند.

۹- هرکس در مسیر (Career ، Path) زندگی شغلی و حرفه ای خود ممکن است روزی در « نقش و پایگاه »^۱ کارآفرینی قرار گیرد.

۱۰- واز همه مهمتر، احساس کمبود شدید مدیران کارآفرین، اثربخش (Effective) و کارآمد (Efficient) در جامعه.

امروزه جامعه با کمبود شدید مدیران کارآفرین روبروست. از بالاترین سطوح سازمانهای دولتی تا پایین ترین رده های کار در مؤسسات آموزشی، صنعتی، فنی، تجاری، نیاز به مدیران کارآفرین، اثربخش و کارآمد^۲ بشدت محسوس است.

لذا، به دلایل مذکور و نیز، دلایل فراوان دیگر، که بخاطر طولانی شدن سخن از بیان آنها خودداری می شود، ضرورت دارد، نه تنها، دانشجویان عزیز رشته های مختلف دانشگاهی، علی الخصوص، رشته های فنی و مهندسی، بلکه آحاد افراد جامعه، بعنوان کارآفرینان بالقوه آینده جامعه (نیز، با اصول و مبانی کارآفرینی آشنایی کافی داشته باشند. و این درس نیز، با همین هدف ارائه گردیده است تا: دانشجویان با مفاهیم [نظری] کارآفرینی و آموزش مهارتهای لازم برای تدوین برنامه کسب و کار [عملی] آشنا شوند.

سوالی که ممکن است در اینجا مطرح شود این است که: آیا می توان با روشهای مختلف آموزشی به پرورش

کارآفرینان و مدیران کارآفرین همت گماشت؟

نتایج تحقیقات نشات می دهد که کارآفرینی هم دارای بعد نظری (تئوریک) و هم دارای بعد عملی (کاربردی) است که می

توان با روشهای مختلف آموزش... و نیز از طریق برنامه های آموزشی و دانشگاهی خاص مبتنی بر مطالعات رفتاری و تجربی

۱- نکته ای که در اینجا باید مورد توجه قرار گیرد، تا از هرگونه ابهام در هنگام مطالعه منابع کارآفرینی، جلوگیری شود، تفاوت بین « نقش » و « پایگاه » کارآفرین است.

درواقع « نقش » Role « کارآفرین وجود همان ویژگی ها و خصوصیات کارآفرینی در فرد است و « پایگاه » Status « همان توجه به کارکرد، کارآفرین است. بنابراین، در شناسایی کارآفرینان باید توجه داشت که ممکن است فرد دارای نقش کارآفرینی باشد ولی هرگز در پایگاه کارآفرینی قرار نگیرد. همچنین هر فردی که در پایگاه کارآفرینی قرار می گیرد، الزاماً دارای نقش کارآفرینی نیست. عبارت دیگر، پایگاه به جایگاه اجتماعی اطلاق می شود و نقش، رفتاری است که در آن پایگاه لازم می باشد. بنابراین، باید توجه داشت که کارآفرین از نظر مفهومی از رفتار کارآفرین جدا است. (احمد پور، ۱۳۸۴، صفحه « ک »).

^۲ - اثربخشی (Effectiveness) : اثربخشی به زبان ساده، یعنی، « انجام دادن کار درست، doing the right things ».

کارآیی (Efficiency) : کارآیی نیز، به زبان ساده، یعنی، « درست انجام دادن کار، doing things right ».

تفاوت کارآیی و اثربخشی: بطور خیلی خلاصه می توان گفت که: کارآیی بر چگونگی انجام کار تأکید می کند. و تمرکز تأکید اثربخشی بر نتایج کار است. (علی علاقه بند، ۱۳۸۵، ص ۲۴، به نقل از پیتر دراکر، ۱۹۶۴).

به آموزش و پرورش کارآفرینان همت گماشت . (احمدپور و مقیمی ، ۱۳۸۵ ، ص ۷ و ۴۳) .

با توجه به اینکه شخصیت و روحیه ی آدمی عمدتاً در دوران نوجوانی شکل می گیرد ، می توان درگام اول بایک برنامه صحیح آموزشی ، ضمن پرورش ویژگی ها و روحیه کارآفرینی ، دانشجویان را با روشهای راه اندازی کسب و کارهای کارآفرینانه آشنا ساخت .

خوشبختانه با درک اهمیت این موضوع ، درکشور عزیزاسلامیمان نیز ، درس اصول و مبانی کارآفرینی دربرخی دانشگاه های بزرگ کشورمان دربرنامه درسی همه رشته های دانشگاهی گنجانده شده است .

نقش کارآفرینی در ایجاد ثروت و ارزش اقتصادی در جامعه :

کارآفرین (فردی است که یک شرکت را ایجاد و اداره می کند و هدف اصلی اش سودآوری و رشد است) (احمدی پور ، ۱۳۸۴ ، صفحه « س ») .

وکارآفرینی (بعنوان ، فرآیندی است که کارآفرین آنرا درجهت مناسب برای نیل به اهداف ، راهبری می نماید .) (احمدی پور ، ۱۳۸۴ ، صفحه « ل ») .^۱

اولین بارمورد توجه اقتصاددانان قرارگرفت و تمامی مکاتب اقتصادی ازقرن شانزدهم میلادی تاکنون به نحوی کارآفرینی را درنظریه های خود تشریح نموده اند (احمد پور ، ۱۳۸۴ ، ص ۵) . ازقرن شانزدهم به بعد ، همواره این سوال برای اقتصاد دانان مطرح بود که : **چه عامل یا عواملی باعث ایجاد ثروت و ارزش اقتصادی در جامعه می شود . ؟**

مکاتب مختلف پاسخهای مختلفی ارائه کرده اند . به منظور ریشه یابی و شناخت علل طرح کارآفرینی درعلم اقتصاد ، لازم است نظریات مکاتبی همچون ، سودگرایان ، فیزیوکراتها ، کلاسیکها و . . . به اختصار مورد بررسی قرارگیرد .

مکتب سوداگرایان یا « مرکانتی لیست Mercantilisme » ها :

« مرکانتی لیست ها » یا اصحاب مکتب سوداگری ، گروهی از اقتصاددانان قرن ۱۵ تا ۱۸ میلادی بودند که اعتقاد داشتند هر جامعه ای که در جمع آوری و اندوختن طلا و نقره موفق تر عمل نماید ، جامعه ثروتمندتری تلقی می گردد . و بالطبع از مزایا و منافع اقتصادی بیشتری برخوردار خواهد بود . و از آنجایی که ، تجارت خارجی را اصولی ترین و موثرترین حربه در جمع آوری طلا و نقره می دانستند ، لذا اینگونه فعالیت های اقتصادی را موجب ثروت در جامعه دانسته و برای آن ارزش ویژه ای قائل بودند .

توماس مان (Thomas Mun) فرانسوی از پیروان مکتب سوداگری . . . بیان می دارد که موازنه تجاری با خارج به عنوان نمودار رونق اقتصادی تلقی می شود . . . [وی بعنوان یکی از نظریه پردازان مکتب سواگرایان] ، معتقد بود ، مقررات تجارت

^۱ - فعلاً این تعاریف کارآفرین و کارآفرینی را بطور موقت بپذیرید .

^۲ - برای تهیه بقیه مطالب این قسمت نیز ، از صفحات ۳۹-۴۶ همان کتاب استفاده شده است .

خارجی باید باعث شود صادرات بر واردات مازاد داشته باشد. [چون با صادرات ارز واردکشور و با واردات ارز ازکشور خارج می شود] ، تا بدین وسیله جریان دائمی ورود طلا و نقره به کشور حفظ گردد .

به بیان ساده تر، از نظر مرکانتی لیست ها [از جمله توماس مان] ، عامل اصلی ایجاد ثروت و ارزش اقتصادی در جامعه ، طلا و نقره و فعالیت اقتصادی مهم ، تجارت خارجی می باشد .

مکتب فیزیوکرات (Physiocratie) ها :

پس از سوداگران ، در نیمه دوم قرن هیجدهم میلادی ، نظریات جدیدی در باب عوامل اصلی ایجاد ثروت و ارزش اقتصادی در بین اقتصاد دانان مطرح شد . . . [که از معروفترین آنها] ، فرانسواکنه (Francois Qvensay) بود ، که در واقع باید او را نخستین فرد از مکتبی دانست که به فیزیوکرات (Physiocratie) ها و یا طبیعون معروف شدند .

فیزیوکراتها ، منشاء ایجاد ثروت را زمین می دانستند و هر نوع فعالیت دیگر اقتصادی را تبدیل و تبدل آنچه که از زمین استخراج و استحصال - حاصل کردن ، نتیجه گرفتن - می شد ، تلقی می کردند . زمین بعنوان منشاء اصلی تمامی پدیده های ثروت اقتصادی جامعه ، در نزد آنان ، از تقدس خاصی برخوردار بود . با اتکاء به چنین بینشی ، فیزیوکراتها برخلاف سوداگرایان که تجارت را منشاء ثروت جامعه تلقی می کردند ، فعالیت کشاورزی را ارجح - بهتر ، برتر - به شماری آوردند و عامل اصلی ایجاد ثروت در جامعه را زراعت می دانستند . . .

به زبان ساده تر، از نظر فیزیوکراتها ، [از جمله فرانسوا کنه] عامل اصلی ایجاد ثروت و ارزش اقتصادی در جامعه ، زمین و فعالیت اقتصادی مهم کشاورزی و زراعت می باشد .

مکتب کلاسیک (Classic) ها :

پس از فیزیوکرات ها و به موازات رشد فعالیتهای صنعتی در اروپا ، برخی از اندیشمندان اقتصادی . . . معتقد بودند که فعالیت صنعتی عامل اصلی ایجاد ثروت در جامعه می باشد . لذا جامعه ای را ثروتمند می دانستند که امکانات گسترش فعالیتهای صنعتی در آن مهیا تر باشد .

آدام اسمیت (Adam Smith) ، بعنوان بنیانگذار مکتب کلاسیک^۱ ، در کتاب معروف خود بنام « ثروت ملل Wealth of nations »

^۱ - مجموعه نظریه های سنتی که در سه دهه اول سال (۱۹۰۰) ارایه شده بود به دوره کلاسیک مشهور است . . . این مجموعه شامل سه شاخه اصلی : (۱) مدیریت علمی . (۲) اصول علم اداره یا نظریه مدیریت اداری . (۳) مدیریت بوروکراتیک ، می باشد . این شاخه [شاخه مکاتب مدیریت کلاسیک] ، توسط سه گروه جداگانه که به ترتیب اهل آمریکا [تیلور] ، فرانسه [فایول] و آلمان [ماکس وبر] بودند ، پدید آمده و گسترش یافته است . (جعفر طرقي و علی اسماعیلی ، ۱۳۸۶ ، ص ۳۰ به نقل از شرمهورن ، ۱۹۹۶ ، ص ۲۸) .

برخلاف فیزیوکراتها که معتقد بودند کشاورزی سرچشمه تمام ثروتهای دولت و همه افراد ملت است. از همان جمله اول کتاب خود اعلام کرد که **سرچشمه حقیقی ثروت هرملتی، کارسالانه اوست**، کارسالانه هرملت مایه اصلی و اساسی تأمین تمام اشیاء مورد نیاز و مفید می باشد و شامل محصول مستقیم کار و تمام چیزهایی است که بوسیله آن از خارج خریداری می شود.

درواقع او **سرمایه دار را بعنوان یک مدیرمالک** که منابع اولیه (زمین، کار، سرمایه) را در یک مجموعه صنعتی ترکیب می نماید، می نگریست... وی توضیح داد که **سرمایه داران، عناصر اصلی رشد و توزیع ثروت در جامعه هستند...**

بنابراین، از نظر آدام اسمیت، **نیروی کار و سرمایه** عامل اصلی ایجاد ثروت و ارزش اقتصادی در جامعه است و **عمده فعالیت نیز، صنعت** می باشد. جایگزین شدن واژه سرمایه دار به جای کارآفرین توسط آدام اسمیت انجام گرفت. (احمد پور، ۱۳۸۴، ص ۶۹).

[در اوائل قرن نوزدهم]... بابرور انقلاب صنعتی و بروز تحولات عظیم اقتصادی، اجتماعی و ظهور فناوری جدید تولید، **طبقه کارگر**، پا به عرصه وجود گذاشت که حاصل آن زندگی شهر نشینی بود.

با پیدایش انقلاب صنعتی، کسب و کارها شروع به رشد کردند و کارفکری نیز به عنوان مکمل کاربیدی مطرح شد. در این دوره که آن را جامعه ی صنعتی می نامند، میل به ابداع و خلاقیت در بشارافزایش یافت و کم کم شخصیت هائی ظهور کردند که در پی ارضای کنجکاو و کشف موضوع جدید بودند. این افراد، خصلت های مشخصی داشتند و از خطرپذیری لذت می بردند.

در جامعه ی صنعتی اصالت به ماده و انرژی داده شد و حرکت و توان در این دوره شتاب گرفت و موتوربخار و ماشینهای پیچیده تراختراع شدند. با سرمایه گذاری زیاد، گروهی به عنوان الگوهای کسب و کار ظهور کردند که نتیجه ی این دوره، معرفی صاحبان صنایع بزرگی همچون فورد بود. (احمد پور و مقیمی، ۱۳۸۵، ص ۱۵-۱۶).

... علیرغم نظریه آدام اسمیت که معتقد به تعادل اقتصادی و رقابت کامل در نظام سرمایه داری بود، نظام مزبور [نظام سرمایه داری آدام اسمیت] به طرف انحصار و رقابت انحصاری گرایش یافت و نتایج نامطلوبی را در پی داشت که از مهمترین آنها توزیع نا عادلانه درآمد، افزایش کار کارگران و به کارگماردن خردسالان و... بود.

... در نظام سرمایه داری [آدام اسمیت]، دو طبقه اجتماعی **سرمایه دار و کارگر (بورژوا و پرولتاریا)** وجود دارند که وظیفه اصلی این نظام، صنعتی کردن جامعه است که به نوبه خود مسائل متعدد اقتصادی و اخلاقی را بوجود آورده و ریشه های دگرگونی خود را پی ریزی می کند (احمد پور، ۱۳۸۴، ص ۴۳ به نقل از تفضلی، ۱۳۷۲، ص ۱۵۰)...

در این که وضعیت هماهنگی منافع فردی با منافع اجتماعی از بین رفته بود، زمینه بدبینی به نظام سرمایه داری کلاسیک پدید آمد... [در این شرایط بود که] نظریه سوسیالیسم علمی «مارکس» مطرح شد.

مارکس «Marx» بعنوان بنیانگذار مکتب مارکسیسم، نظام سرمایه داری را از دید جامعه شناسی تعریف نمود و سپس عملکرد آنرا با دید اقتصادی تحلیل کرد. مارکس معتقد بود که درسوسیالیسم، مالکیت شخصی و استثمار کارگران از بین می رود و توزیع ثروت بر مبنای کمیّت و کیفیت کار صورت می گیرد... وی تأکید بسویاربر فناوری دارد و به هیچ وجه کارآفرین و کارآفرینی را در نظام و اقتصاد خود نمی پذیرد. (احمد پور، ۱۳۸۴، ص ۴۷ به نقل از تفضلی، ۱۳۷۲، ص ۱۵۰).

ظهور اصطلاح « کارآفرینی » در نظریه های اقتصادی :

... واژه کارآفرینی نخست توسط ریچارد کانتیلون (Richard Cantillon) در سال ۱۷۵۵ وارد ادبیات و نظریه های اقتصادی شد. او برای اولین بار اهمیت و نقش کارآفرینی را در ایجاد ثروت و ارزش اقتصادی مورد بحث قرارداد. وی معتقد است که زمین منبع کل ثروت است و سه نوع عامل اقتصادی را مشخص کرد که عبارتند از :

۱- زمین دارانی که از لحاظ مالی مستقل هستند.

۲- کارآفرینانی که با مخاطره خود و به منظور کسب سود به مبادلات در بازار اشتغال دارند.

۳- افراد اجیر شده ای که به منظور بدست آوردن درآمد ثابت در خدمت دو گروه فوق قرار می گیرند.

در تصور « کانتیلون » کارآفرینان آغازگر تغییر نبوده و نوآور هم نیستند، در عوض، او از نظریه سود همراه با مخاطره بعنوان ابزاری برای تشخیص کارآفرین استفاده کرد. برای مثال، از نظر وی طبقه کارآفرین: خرید به قیمت مقطوع، و فروش به قیمت های نامقوع است... « کانتیلون »... اغلب به ویژگی متمایز کارآفرینی (بازده نامعین) اشاره می کند...

از نظر ریچارد کانتیلون (از نظریه پردازان مکتب فیزیوکراتها)، عامل اصلی ایجاد ثروت و ارزش اقتصادی در جامعه، مالک زمین و فعالیت اقتصادی مهم کشاورزی و زراعت می باشد.

جان (ژان) باتیست سی (Jean Baptiste Say):

... در اوائل قرن نوزدهم او [ژان باتیست سی] نظریه های اقتصادی جدید آدام اسمیت را در چندین دانشگاه فرانسوی و سایر دانشگاههای اروپا تدریس می کرد... او بعضی از دیدگاه های خاص خود را ارائه کرده و با تأکید بر نقش کارآفرین، آثار اسمیت را تعمیم داد... [او] به تحلیل تولید و توزیع کالاها در نظام بازار رقابتی پرداخته و نقش برجسته هماهنگ کنندگی را برای کارآفرین تعیین کرد.

«سی» هنگام ارائه نظریه کارآفرینی خود، سه عامل تولید را مد نظر داشت که عبارتند از:

۱- زمین و عوامل طبیعی دیگر که در آن سهم دارند. ۲- سرمایه ۳- صنعت بشری

« سی » صنعت بشری را به ظایف دانشمند ، کارآفرین و کارگرتفکیک کرد . از نظر او ، این سه وظیفه در صنعت بشری اهمیت یکسانی ندارند . طبق نظر « سی » ، در حالی که دانشمند (نظریه آفرین) و کارگر (مجری) نقش مهمی در فرآیند تولید دارند ، اما این کارآفرین است که با بکار بستن نظریه و هدایت انجام امور ، فرآیند تولید را پیش می برد . « سی » استدلال کرد که در کشاورزی ، تولید یا صنعت ، باید عاملی وجود داشته باشد که منابع ضروری را در اختیار گرفته و فرآیند تولید را سازماندهی و هماهنگ کند و بر آن نظارت و برای آن تصمیم گیری نماید و اینها از جمله وظایفی هستند که کارآفرین انجام می دهد .

بعبارت دیگر ، از نظر « سی » ، کارآفرین پس از مشاهده یک فرصت اقتصادی باید تقاضا را تخمین زده و سپس آن را تأمین کند . کارآفرین باید مواد اولیه را تهیه و نیروی کار را سازماندهی و تربیت نموده و در عین حال مشتریان را جذب کند .

از نظر ژان باتیست سی « یکی از نظریه پردازان مکتب کلاسیک ها » ، عامل اصلی ایجاد ثروت و ارزش اقتصادی در جامعه ، **مواد اولیه و نوع فعالیت صنعت می باشد** .

طی دوره اقتصادی کلاسیک ها ، علاوه بر این دانشمندان [آدام اسمیت و ژان باتیست سی] ، دو اقتصاددان دیگر نیز ، بخاطر مشارکت خود مورد توجه قرار گرفته اند . این دو اقتصاد دان دیوید ریکاردو « David Rickardo » و جان استیوارت میل « J . S . Mill » نام دارند .

وی [استیوارت میل] به عنوان اولین فردی محسوب می شود که واژه کارآفرین را تحت عنوان « Entrepreneur » به زبان انگلیسی ترجمه نمود و مشخصه اصلی کارآفرین را نیز ، مخاطره پذیری تعریف کرد . . . (احمد پور ، ۱۳۸۴ ، ص ۴۶ به نقل از بلا دین ، ۱۹۶۸ ، ص ۲۵۳) .

خلاصه و جمع بندی :

نظریه های اقتصادی با دو سوال اساسی راجع به جامعه روبرو هستند . اول اینکه چگونه یک جامعه ثروت جدید را ایجاد می کند و دوّم اینکه چگونه یک جامعه ثروت را میان اعضای خود توزیع می نماید . بدیهی است که پاسخ به این دو سوال که پیشرفت اجتماعی را تضمین می کند مستلزم وجود ساز و کارهایی است که راه حل ارائه شده را عملی می سازد . در این میان کارآفرینی یکی از ساز و کارهای مهمی بشمار می رود که ایجاد و توزیع ثروت را تضمین می کند . . .

نتیجه گیری ، تا اینجا به این نتیجه رسیدیم که علاوه بر طلا و نقره ، زمین ، نیروی کار ، سرمایه ، مواد اولیه و . . .

کارآفرینی و کارآفرین نیز ، باعث ایجاد ثروت و ارزش اقتصادی در جامعه می شود . اکنون سوال اساسی دیگری (که موضوع اصلی این درس و کلاس می باشد) مطرح می شود این است که :

کارآفرینی چیست؟ و کارآفرین کیست؟ :

در قرن شانزدهم میلادی واژه فرانسوی « Entrepreneur » کارآفرین ، اولین بار برای افرادی به کار برده شد که در مأموریت های نظامی خود را به خطر می انداختند .

بعد ها این واژه به کسانی اطلاق شد که مخاطره های یک فعالیت اقتصادی را می پذیرفتند و آن را سازماندهی ، اداره و تقبل می کردند .

اصطلاح « کارآفرین ، Entrepreneur » در معنا و مفهوم فعلی را اولین بار ژوزف شومپتر به کار برد . این اقتصاد دان را پدر علم کارآفرینی می نامند . . . (سعیدی کیا ، ۱۳۸۶ ، ص ۲۰) .

معنی لغتنامه ای اصطلاح « کارآفرین » : (تحلیل واژه یا واژه شناسی)

اصطلاح « کارآفرین » در زبان و ادبیات فارسی در اصل ازدو کلمه یا دو واژه « کار + آفرین » تشکیل شده است .

واژه « کار ، Business ، Labour ، Work » ، واژه ای فارسی است و از نظر دستور زبان فارسی (اسم) است . و معنی لغوی آن

یعنی : پیشه ، شغل ، عمل (فرهنگ عمید ، ص ۸۰۷) . وسیله معیشت ، معاش ، کسب و کار . (فرهنگ ۶ جلد معین ، ج ۳ ، ص ۲۷۸۹)

واژه « آفرین ، To Create » از نظر لغوی : یعنی ، از نیستی به هستی آوردن ، خلق کردن ، بوجود آوردن (فرهنگ عمید ، ص ۷۰) .

مخفف آفریننده « Creator » . . . (لغت نامه دهخدا ، ج ۱ ، ص ۱۲۵) . و در کلمات مرکب بجای آفریننده بکار می رود ، جهان آفرین ، جان آفرین ، سخن آفرین . . . (فرهنگ ۶ جلد معین ، ج ۱ ، ص ۷۲) .

اصطلاح « کارآفرین ، Entrepreneur » : یعنی ، کارآفریننده (صفت فاعلی) ، **آنکه کار ایجاد کند** ، خدای تعالی ، آفریدگار ،

زما قرعه کاری انداختن زکارآفرین کارها ساختن . (فرهنگ ۶ جلد معین ، ج ۳ ، ص ۲۷۹۶ و نیز لغت نامه دهخدا ، ج ۱۱ ، ص ۱۵۸۲۴) .

بنابراین ، در زبان و ادبیات فارسی ، **کارآفرین** ، یعنی کسی که یک شغل و کار جدید خلق کند و بوجود بیاورد .

تعریف اصطلاحی ، اصطلاح « کارآفرین ، Entrepreneur »

اصطلاح « کارآفرین » ترجمه کلمه فرانسوی « Entrepreneur »^۱ به معنای ، متعهد شدن [Undertake] می باشد .

^۱ - وی [استیوارت میل] به عنوان اولین فردی محسوب می شود که واژه کارآفرین را تحت عنوان « Entrepreneur » به زبان انگلیسی ترجمه نمود و مشخصه اصلی کارآفرین را نیز، مخاطره پذیری تعریف کرد . . . (احمد پور ، ۱۳۸۴ ، ص ۴۶ به نقل از بلا دین ، ۱۹۶۸ ، ص ۲۵۳) .
به عبارت دیگر ، این واژه در سال ۱۸۴۸ میلادی ، توسط جان استیوارت میل به « کارآفرین Entrepreneur » در زبان انگلیسی ترجمه شد او کارکرد و عمل کار آفرین را شامل هدایت ، نظارت ، کنترلی و مخاطره پذیری می دانست و عامل متمایز کننده مدیر و کارآفرین را مخاطره پذیری معرفی کرد . (احمد پور ، ۱۳۸۴ ، ص ۷ به نقل از بروکهاوس - R . Brockhaus - و هورویتز - P . Horwitz - ، ۱۹۸۶ ، ص ۲۷) .

... بنا به تعریف واژه نامه دانشگاهی وبستر^۱: **کارآفرین** کسی است که متعهد می شود مخاطره‌های یک فعالیت اقتصادی را سازماندهی، اداره و تقبل کند ... (احمدپور، ۱۳۸۴، ص ۴).

... **کارآفرین** کسی است که تعهد می کند تا سازماندهی و مدیریت کسب و کار جدیدی را که توأم با ریسک است، بپذیرد. ... (احمد پور و مقیمی، ۱۳۸۵، ص ۳۹).

... **کارآفرین** فردی است که یک شرکت را ایجاد و اداره می کند و هدف اصلی اش سود آوری و رشد است. مشخصه اصلی کار آفرین، نوآوری می باشد. (احمد پور، ۱۳۸۴، صفحه «س»).

جفری تیمونز (Jeffry Timmons) **کارآفرین** را ایجاد کننده یک چیز ارزشمند از هیچ می داند. بنابراین، کارآفرین کسی است که دارای قدرت درک بالا می باشد و توان پیدا کردن خلاء و فرصت ها را دارد و می تواند در جامعه از طریق پرورش ایده و تبدیل فکر خود به یک محصول جدید اقدام به ارزش آفرینی از هیچ نماید. (سعیدی کیا، ۱۳۸۶، ص ۲۱).

«**پیتر دراکر**» معتقد است **کارآفرین** کسی است که فعالیت اقتصادی کوچک و جدیدی را با سرمایه خودش شروع می نماید ... (سعیدی کیا، ۱۳۸۶، ص ۲۱).

... **بطور خلاصه، کارآفرین**، سازمان دهنده و فعال کننده ی یک واحد اقتصادی یا غیراقتصادی به منظور دستیابی به سود دستاوردهای شخصی یا اجتماعی است. (سعیدی کیا، ۱۳۸۶، ص ۲۱ و ۲۲).

تفاوت بین « کارآفرین و سرمایه گذار» و نیز، بین « مدیر و کارآفرین »:

... تفاوت آشکاری بین کارآفرین و سرمایه گذارو همچنین بین مدیر و کارآفرین وجود دارد. زیرا کارآفرین سرمایه دار نیست، اگرچه اوقادراست از سرمایه های راکد سرمایه گذاران به خوبی استفاده کند. کارآفرین ارزش ها را تغییر می دهد و ماهیت آنها را دچار تحول می نماید. همچنین مخاطره پذیر است و به درستی تصمیم گیری می نماید. برای فعالیت خود به سرمایه نیاز دارد ولی هیچگاه سرمایه گذار نیست، کارآفرین همواره به دنبال تغییر است و به آن پاسخ می دهد و فرصت ها را شناسایی می کند ... (سعیدی کیا، ۱۳۸۶، ص ۲۱-۲۲).

لایلز (P. R. Liles) و بروکهاوس (R. Brockhaus) معتقد بودند که تمایل به پذیرش مخاطره های معتدل از ویژگی های بارز کارآفرینان است و ماینر (J. B. Miner) در سال ۱۹۹۰ نشان داد که کارآفرینان موفق کمتر از مدیران از مخاطره پرهیز می کنند، فرق کارآفرینان با مدیران در این است که مدیران خانه ای می سازند و سعی در نگهداری آن خانه دارند و به همین دلیل تهدیدگرا و محافظه کارند و تلاش می کنند وضعیت موجود را حفظ کنند اما کارآفرینان همواره در پی ساختن خانه ای هستند

^۱ - Webster "S New Collegiate Dictionary"

و به همین جهت فرصت گرا، انعطاف پذیر و اهل ریسک هستند. (سعیدی کیا، ۱۳۸۶، ص ۳۳).

از جمله اولین محققین، جان استیوارت میل بود که ضمن ابداع واژه کارآفرینی در ادبیات انگلیسی، به عنوان اولین فردی است که عامل مخاطره پذیری را به عنوان عامل اصلی تمایز بین مدیر و کارفرما معرفی نمود. شومپتر نیز، بر این عقیده بود که نوآوری، ویژگی اصلی تلاشهای کارآفرینانه می باشد. (احمد پور، ۱۳۸۴، ص ۷۹).

در اواخر دهه ۱۸۷۰ «فرانسیس واکر، Francis A. Waiker» وجه تمایز سرمایه دار و کارآفرین را مورد تأکید قرارداد و کارآفرینان را مهندسان پیشرفت صنعتی و عوامل تولید خواند. (احمد پور، ۱۳۸۴، ص ۷).

تعریف اصطلاحی، اصطلاح «کارآفرینی، Entrepreneurship»

واژه «کارآفرینی» از کلمه فرانسوی «Entrepreneur» به معنای، متعهد شدن [Undertake] نشأت گرفته است... (احمد پور، ۱۳۸۴، ص ۴)... **کارآفرینی فرآیندی است** که کارآفرین آنرا در جهت مناسب برای نیل به اهداف، راهبری می نماید... (احمدی پور، ۱۳۸۴، صفحه «ل»).

بعبارت دیگر، **واژه کارآفرینی** از ریشه فرانسوی «Entrepreneur» است که مفهوم تعهد کردن کاری را در برمی گیرد. (احمد پور و مقیمی، ۱۳۸۵، ص ۳۹)... **کارآفرینی فرآیندی است** که در آن ایده و فکر جدید با بسیج منابع از طریق فرآیند ایجاد یک کسب و کار (کسب و کار الکترونیکی یا اینترنتی، کسب و کار خانگی، کسب و کار خانوادگی، کسب و کار کوچک و متوسط) که توأم با مخاطره ی مالی و اجتماعی و حیثیتی است، محصول و خدمت جدید به بازار عرضه می شود. (احمد پور و مقیمی، ۱۳۸۵، ص ۴۴).

... **کارآفرینی** عبارتست از فرآیند ایجاد ارزش از راه تشکیل مجموعه منحصر به فردی از منابع به منظور بهره گیری از فرصتها. (احمدی پور، ۱۳۸۴، صفحه «ن»).

کارآفرینی به عقیده «پیتر دراکر» همانا به کار بردن مفاهیم و فنون مدیریتی، استاندارد سازی محصول، به کارگیری ابزارها و فرآیندهای طراحی و بنا نهادن کاربرپایه آموزش و تحلیل کارانجام شده است... (سعیدی کیا، ۱۳۸۶، ص ۲۱)... بطور کلی **کارآفرینی** به عنوان عامل تغییر، به خلق کسب و کار جدید توسط فرد یا گروههای کوچک اطلاق می گردد... (محمود احمد پور داریانی، ۱۳۸۴، صفحه «ی»).

در حال... فرآیند کارآفرینی بسته به تعریف های مختلف کارآفرین، متفاوت است، بعضی از افراد فرآیند کارآفرینی را فرآیند خلق چیز نو، خلق ثروت و یا خلق چیز ارزشمندی از هیچ می دانند. «رابرت هیسریچ، Hisrch . Rabert» فرآیند

کارآفرینی را خلق چیز نومی داند ، که توأم با صرف وقت و تلاش بسیار و پذیرش خطرات مالی ، روحی و اجتماعی برای بدست آوردن منابع مالی ، رضایت شخصی و استقلال است . . . (سعیدی کیا ، ۱۳۸۶ ، ص ۲۳) .

سوالی که در اینجا ممکن است مطرح شود این است که : آیا فرآیند کارآفرینی تنها خلق محصول و یا خدمت جدید است ؟ . در پاسخ می توان گفت خیر ؟ . . . فرآیند کارآفرینی تنها خلق محصول و یا خدمت جدید نیست ، بلکه خلق محصول جدیدی است که متناسب با نیاز های بازار و تقاضای موجود باشد و بتوان آن را به جامعه ارائه نمود . (سعیدی کیا ، ۱۳۸۶ ، ص ۲۳) .

فرآیند کارآفرینی

- کارآفرینی فرآیندی است که از عناصر مختلفی تشکیل شده است . مهم ترین اجزای فرآیند کارآفرینی . . . بشرح زیر است :
- ۱- **کارآفرین** : فردی که به صورت آگاهانه تصمیم می گیرد کسب و کار مخاطره آمیز جدیدی را آغاز کند و کلیدی ترین جزء فرآیند کارآفرینی است .
 - ۲- **فرصت** : فرصت های زیادی در جامعه برای کسب و کار وجود دارد ، ولی کارآفرین با تجزیه و تحلیل و شناسایی موقعیت های بازار ، فرصت هایی را که از ظرفیت بالایی برخوردارند ، برای شروع کسب و کار خود بر می گزیند .
 - ۳- **ساختار** : کارآفرین برای انجام کسب و کار خود باید مشخص سازد که در قالب چه نوع ساختاری (به صورت فردی ، شراکتی یا شرکتی) می خواهد فعالیت خود را آغاز کند .
 - ۴- **منابع** : منابع مالی و انسانی شناسایی و حمایت سرمایه گذاران جلب می شود .
 - ۵- **استراتژی^۱ و برنامه ی کسب و کار** : اهداف کلی ، استراتژی ها و برنامه های تفصیلی کسب و کار تعیین می شوند . (احمد پور و مقیمی ، ۱۳۸۵ ، ص ۴۶) .

انواع کارآفرینی^۲:

صاحب نظران تقسیم بندی های مختلفی از کارآفرینی ارائه کرده اند ، که مهمترین آنها به شرح ذیل است :

الف) **کارآفرینی فردی** « Individual Entrepreneurship »

کارآفرینی فردی خود به دو گروه بشرح ذیل تقسیم می شود :

۱- **کارآفرینی مستقل** « Independent Entrepreneurship »

^۱ - در کتب مختلف مدیریت و برنامه ریزی ، مؤلفان ، نویسندگان ، متخصصان و صاحب نظران ، برای واژه استراتژی اسامی مختلفی بکار برده اند که بخاطر جلوگیری از تشتت اذهان به آنها اشاره شده است : استراتژیک (Strategic) ، (عالی ، جامع ، کلان ، ملی ، سطح سوّم ، راهبردی ، سوق الجیشی) .

جیمز براين کوئین می گوید : استراتژی عبارت است از الگو یا طرحی که هدفها ، سیاستها و زنجیره های عملیات یک سازمان را در قالب یک کل به هم پیوسته ترکیب کند . (مدیریت استراتژیک ، ص ۳۱) .

^۲ - برای تهیه مطالب لین قسمت بیشتر از کتاب اصول و مبانی کارآفرینی تألیف مهندس مهدی سعیدی کیا ، صفحات ۲۴ الی ۲۸ استفاده شده است .

فرآیندی است که کارآفرین از ایده اولیه تا ارائه ی محصول خود به جامعه ، کلیه ی فعالیت کارآفرینانه را با ایجاد یک بنگاه اقتصادی جدید ، به طور مستقل طی می کند . . . انگیزه های متفاوتی در افراد وجود دارد که سبب می شود به طور مستقل کار کند یکی از این انگیزه ها ، استقلال طلبی است که از قوی ترین نیاز های فرد کارآفرین ذکر شده است ، اومی خواهد کار ها را به شیوه خود انجام دهد و کار کردن برای دیگران برای او سخت است ، زیرا او همواره اعتقاد دارد که بهتر از هر کس دیگری می تواند از عهده کار برآید . همچنین نیاز به پیشرفت و احتیاج به رضایتمندی شغلی از جمله انگیزه هایی است که شخص را به ایجاد یک بنگاه اقتصادی مستقل و یا یک فعالیت مستقل تحریک و ترغیب می نماید .

بعبارت دیگر، کارآفرینی فردی (مستقل) : حالتی است که فردی کسب و کار مستقلی را ایجاد می کند یا نمایندگی آن را از طریق شناسایی فرصت و بسیج منابع و امکانات لازم به دست می آورد و تمرکز او بر نوآوری ، توسعه ی فرآیند ، ایجاد محصولات یا خدمات جدید است . (احمد پور و مقیمی ، ۱۳۸۵ ، ص ۴۵) .

۲- کارآفرینی سازمانی « Organizational Entrepreneurship »

فرآیندی است که کارآفرین تحت حمایت یک سازمان ، فعالیت های کارآفرینانه خود را به ثمر می رساند . . . از اینرو ، سازمان ها سعی می کنند افراد خلاق و کارآفرین را که پدید آورندگان اصلی محصولات و خدمات نو در سازمان هستند ، تشویق و ترغیب می کنند که در سازمان بمانند و ایده های خود را در سازمان محقق سازند « پینکات » این افراد را کارآفرینان سازمانی نام نهاد .

بعبارت دیگر، کارآفرینی سازمانی یا درون سازمانی : شامل پرورش رفتار کارآفرینانه در سازمانی است که قبلاً تأسیس شده ، و فرآیندی است که محصولات (خدمات) یا فرآیند های نوآورانه با خلق فرهنگ کارآفرینانه در یک سازمان ایجاد شود . در این نوع کارآفرینی ، یک شرکت یا سازمان ، محیطی را فراهم می سازد تا اعضا بتوانند در امور کارآفرینی مشارکت کنند و طی آن ، محصولات یا فرآیند های نوآورانه از طریق ایجاد فرهنگ کارآفرینانه به ظهور رسند . (احمد پور و مقیمی ، ۱۳۸۵ ، ص ۴۵) .

واژه کارآفرینی سازمانی توسط « گیفورد پینکات ، G . Pinchot » در سال ۱۹۸۵ ابداع شد . (احمد پور ، ۱۳۸۴ ، ص ۳۱) . . . و کارآفرین سازمانی را فردی تعریف کرد که در سازمان های بزرگ همچون یک کارآفرین مستقل فعالیت می نماید و فعالیت وی ، ایجاد واحد های جدید در سازمان ، ارائه محصولات ، خدمات و فرآیندهای جدید می باشد که شرکت ها را به سوی رشد و سودآوری سوق می دهد . . . (سعیدی کیا ، ۱۳۸۶ ، ص ۲۶ ، به نقل از احمد پور ، ۱۳۷۸ ، ص ۱۳۶) .

« شومپیتر » عمده فعالیت های کارآفرینان سازمانی را شامل توسعه ی کالا و خدمات جدید ، معرفی روش های جدید تولید ، تشخیص بازارهای جدید ، پیدا کردن منابع جدید و توسعه و بهبود سازمان می داند . (سعیدی کیا ، ۱۳۸۶ ، ص ۲۶ ، به نقل از صمد آفایی ، ۱۳۷۸ ، ص ۲۰) .

تفاوت کارآفرینی مستقل و کارآفرینی سازمانی :

تنها تفاوت آن ، در این است که کارآفرینی سازمانی در داخل سازمانی که از قبل بوجود آمده است انجام می پذیرد ، در حالی که در کارآفرینی مستقل ، کارآفرین از ایده اولیه تا ارائه ی محصول خود به جامعه ، کلیه ی فعالیت کارآفرینانه را با ایجاد یک بنگاه اقتصادی جدید ، به طور مستقل طی می کند . (سعیدی کیا ، ۱۳۸۶ ، ص ۲۶ - ۲۴) .

ب) کارآفرینی گروهی « Group Entrepreneurship »

کارآفرینی گروهی نیز ، خود به دو گروه بشرح زیر تقسیم می شود :

۱- کارآفرینی شرکتی « Company Or Corporate Entrepreneurship »

فرآیندی است که یک شرکت طی می کند تا همه افراد آن به کارآفرینی تشویق شده و تمام فعالیت های کارآفرینانه فردی و گروهی به طور مستمر ، سریع و راحت در شرکت انجام پذیرد . در این فرآیند هر یک از کارکنان در نقش کارآفرین انجام وظیفه می کنند .

امروزه شرکت ها و سازمان ها سعی می کنند خود نیز ، کارآفرین باشند تا بتوانند نسبت به تغییر و تحولات انعطاف داشته و فرصت های موجود در بازار را از دست ندهند . آنها تلاش می کنند کارآفرینی درون سازمانی را تا حد ممکن افزایش دهند تا سبب بهره وری ، جلوگیری از خروج افراد نخبه و افزایش توانایی رقابت بین المللی شوند . . .

فرای « Fry » معتقد است کارآفرینی شرکتی زمانی در یک سازمان ایجاد می شود که بالاترین مقام اجرایی نسبت به مفهوم کارآفرینی متعهد شود و بعد از آن کل سازمان کارآفرینی را بپذیرد تا یک ساختار زنده و پویا در سازمان ایجاد شود بالاخره اینکه توسعه ی فرهنگ کارآفرینی و شناسایی استعداد های کارآفرینانه و پاداش به کارآفرینان سازمانی ، از عمده کارهایی است که یک شرکت برای کارآفرین شدن باید انجام دهد .

۲- کارآفرینی اجتماعی « Social Entrepreneurship »

کارآفرینی اجتماعی یک زمینه نوظهوری است که شامل سازمان های غیرانتفاعی است که این سازمان ها افراد را در شروع کسب و کارهای انتفاعی یاری می دهند ، سازمان های غیرانتفاعی که برای ایجاد نقدینگی برای برنامه هایشان ، ارزش اقتصادی ایجاد می کنند از منابع در دسترس به گونه ای خلاقانه برای موضوعات اجتماعی استفاده می کنند .

بعبارت دیگر ، کارآفرینی اجتماعی شامل توسعه ی برنامه های نوآورانه برای کمک به بهبود معیشت کسانی است که فاقد کسب و کار و قدرت مالی هستند ، یا در استفاده از فرصت های خدمات اجتماعی با محدودیت مواجه اند .

تفاوت بین کارآفرین و غیرکارآفرین :

سوالی که در اینجا مطرح می شود این است که : چگونه می توان کارآفرین را از غیرکارآفرین تشخیص داد ؟ عبارت دیگر ، چه تفاوتی بین کارآفرین و غیرکارآفرین وجود دارد ؟ .

برای تفکیک کارآفرین از غیرکارآفرین ، ویژگی های مختلفی شناسایی شده است . قبل از توضیح آنها ، لازم است ابتدا به یک نکته مهم اشاره شود و آن این است که هر محقق با توجه به زمینه تخصصی خود با مقوله های کارآفرینی و کارآفرین برخورد نموده است برای روشن شدن مطالب لازم است اشاره شود که :

اقتصاددانان بیشتر به ارائه تعاریف کارکردی و ابعاد رشد اقتصادی و سودآوری توجه دارند (احمد پور ، ۱۳۸۴ ، صفحه ی) .
عبارت دیگر ، آنها کانون توجه خود را تنها بر فضای اقتصادی کارآفرینی متمرکز کردند و در نتیجه از ویژگی ها و عوامل فردی و اجتماعی که بطور مثبت و منفی بر کارآفرینان تأثیری گذارد غفلت ورزیدند . به سخنی دیگر ، اقتصاددانان تنها فرآیند تغییر را در نظر گرفتند و از عامل تغییر ، یعنی کارآفرین غافل شدند . و خلاصه اینکه ، می توان گفت ، اقتصاددانان به پایگاه اجتماعی فرد توجه کردند و از نقش کارآفرین غافل شدند .^۱

روانشناسان [برخلاف اقتصاددانان] سعی می کنند تا خصوصیت فردی و روانشناختی کارآفرین را مورد مطالعه قرار دهند . (احمد پور ، ۱۳۸۴ ، صفحه ی) . روانشناسان در اواسط قرن بیستم توجه خود را به تجزیه و تحلیل فرد معطوف داشتند . و اکثر آنها به دنبال کشف پاسخ این سوال بودند که کدام ویژگی های فردی کارآفرین است که وی را از غیرکارآفرین متمایز می سازد . هدف روانشناسان ، در واقع کشف چگونگی ایجاد این ویژگی های متمایزکننده می باشد . از اینرو از تحقیقات این دانشمندان به عنوان **رویکرد شخصیتی یا رویکرد ویژگی ها** نام برده می شود . (احمد پور ، ۱۳۸۴ ص ۷۶) .

جامعه شناسان ، نیز با اعتقاد به اینکه انگیزه درونی کارآفرین ، نیروی محرکه اوست که در کودکی با تأثیرپذیری از محیط پیرامون فرد تقویت می گردد ، ابعاد و تبعات اجتماعی کارآفرینی را بررسی می نمایند . (احمد پور ، ۱۳۸۴ ، صفحه ی) .

... از اوایل دهه ی ۱۹۶۰ میلادی با هدف تکمیل مطالعات مربوط به ویژگی های شخصیتی ، توجه جامعه شناسان و روانشناسان به دسته دیگری از مطالعات ، تحت عنوان متغیرهای جمعیت شناختی معطوف شد . که از مطالعات آنان تحت عنوان **رویکرد رفتاری** یاد می شود . (احمد پور و مقیمی ، ۱۳۸۵ ، ص ۴۷) . برخلاف رویکرد روانشناختی که بر ویژگی های شخصیتی فرد تأکید دارد ، رویکرد رفتاری بر فعالیتهای کارآفرین تأکید دارد (احمد پور ، ۱۳۸۴ ، ص ۱۰۳) . در ادامه دو رویکرد « **رویکرد ویژگی ها و رویکرد رفتاری** » که می توان بوسیله آنها کارآفرین را از غیرکارآفرین تفکیک کرد ، مورد بحث قرار می گیرد .

^۱ - برای اطلاع از تفاوت بین « نقش » و « پایگاه » کارآفرین می توانید به ص همین مجموعه مراجعه نمایید .

۱- رویکرد ویژگی ها (Tarit Approach)

همانگونه که قبلاً نیز ، توضیح داده شد ، برای تفکیک کارآفرین از غیرکارآفرین ، ویژگی های مختلفی شناسایی شده است ، دسته ی نخست این متغیرها که روانشناسان به آن توجه کرده اند ، متغیرهای شخصیتی و روان شناختی است که رویکرد ویژگی نامیده می شوند . (احمد پور و مقیمی ، ۱۳۸۵ ، ص ۴۶) . هدف از اینگونه تحقیقات ، شناسایی افرادی بود که قادر به تأسیس یا رشد شرکتهای جدید و موفق بودند . در اینگونه تحقیقات . . . سعی شده است تا ویژگی های مشترک بین کارآفرینان و شرکتهایشان شناسایی گردد . در ذیل به اختصار ، به برخی از مهم ترین این ویژگی ها اشاره می شود :

۱-۱ . حالت ذهنی مثبت

۱-۲ . نیاز به موفقیت

۱-۳ . تمایل به ریسک و مخاطره

۱-۴ . گرایش به خلاقیت و نو آوری

۱-۵ . روحیه شکست نا پذیری

۱-۶ . مرکز کنترل درونی

۱-۷ . نیاز به استقلال

۱-۸ . تحمل ابهام

۱-۱۰ . حالت ذهنی مثبت :

یکی از متفکران می گوید : حالت های ذهنی آدمی را خوب و بد ، شاد و مغموم ، غنی و فقیر می کند . . . آدمی حالتهایی دارد که نیرو بخشند ، همانند : اعتماد ، عشق ، قدرت درونی ، شادی ، ایمان و غیره ، که موجب پیدایش انواع قدرت شخصی می شود . و نیز ، حالتهایی که فلج کننده اند ، همانند : ابهام ، افسردگی ، ترس ، اضطراب ، غم ، عجز که آدمی را ناتوان می کنند . شما باید بدانید که چگونه می توانید حالت های ذهنی خود را کنترل کنید تا آنها را به گونه ای تنظیم کنید که در جهت رشد و شکوفایی شما عمل کنند . به یاد داشته باشید که رمز دستیابی به حالت های ذهنی نیروبخش ، دست زدن به اقدام و اهل عمل بودن است .

تفاوت میان آنانکه نمی توانند به هدف هایشان درزندگی دست یابند و آنان که موفق اند ، این است که دسته نخست نمی توانند حالت ذهنی خود را به حالت حمایتی تبدیل کنند ، ولی دسته دوّم می توانند همواره خود را از نظر ذهنی در حالی قرار دهند که حامی آنان در کسب و کارشان باشد .

زندگی همچون رودخانه ی سیال و در جریان است ، اگر آدمی برای هدایت خود در جهت مورد نظر آگاهانه عمل نکند ، رود خانه او را به هر کجا که خواست می برد ، اگر آدمی بستر ذهنی و جسمی لازم را برای نتایج مورد انتظار آماده نسازد ، علف های هرزه خود به خود رشد خواهند کرد . . . (احمدپور و مقیمی ، ۱۳۸۵ ، ص ۴۹) . مسابقه بین دو تیم و باخت یکی از تیم ها در نیمه اول و عوض کردن حالت ذهنی تیم بازنده در بین دو نیمه و ایجاد باور جدید بین بازکنان آن تیم و برد تیم بازنده در نیمه دوم . یکی از بهترین مثال ها برای این حالت می باشد .

۱-۲ . نیاز به توفیق یا توفیق طلبی (Need For Achievement) :

« نیاز به توفیق » عبارت است از : تمایل به انجام کار در استاندارد های عالی جهت موفقیت در موقعیت های رقابتی . (احمد پور ، ۱۳۸۴ ، ص ۸۱) . **بعبارت دیگر ، نیاز به موفقیت یعنی تمایل به برتری یا موفقیت و تلاش برای پیشرفت برای نیل به مجموعه ای از استانداردها .** (احمدپور و مقیمی ، ۱۳۸۵ ، ص ۵۰) .

روان شناسان تلاش می کنند بدانند : آیا نیاز به موفقیت یا فقدان آن در درون فرد اتفاقی است ، ارثی است ، یا نتیجه تأثیرات محیطی است . دیوید مک کله لند « David McClelland » از جمله صاحب نظرانی است که سهم زیادی در تبیین موفقیت در افراد داشته است . . . وی استدلال می نماید که افرادی که نیاز به توفیق بسیار زیادی دارند ، دارای ویژگی های ذیل می باشند : **بعبارت دیگر ویژگی های افراد موفقیت طلب از نظر مک کله لند عبارتند از :**

۱- **مسئولیت شخصی برای تصمیم گیری را ترجیح می دهند . . .** (احمدپور ، ۱۳۸۴ ، ص ۸۱) . **بعبارت دیگر ، افراد موفقیت طلب ، موفقیت هایی را دوست دارند که برای پیدا کردن راه حل مشکلات ، شخصاً مسئولیت داشته باشند .** (احمد پور و مقیمی ، ۱۳۸۵ ، ص ۵۲) .

۲- **مخاطره پذیری آنها متوسط است . . .** (احمدپور ، ۱۳۸۴ ، ص ۸۱) . **بعبارت دیگر ، ویژگی دیگر موفقیت طلبان ، تمایل آنان برای انتخاب هدفهای متوسط و خطر کردن های حساب شده است . . .** (احمد پور و مقیمی ، ۱۳۸۵ ، ص ۵۲) .

۳- **به دریافت بازخورد از نتایج تصمیمات خود علاقه مند می باشند . . .** (احمدپور ، ۱۳۸۴ ، ص ۸۱) . **بعبارت دیگر ، موفقیت طلبان موفقیت هایی را جست و جو می کنند که کسب بازخورد واقعی آنها ممکن باشد ، یعنی ، در شرایطی قرار بگیرند که بتوانند از نتیجه ی فعالیت های خود آگاه شوند . . .** (احمد پور و مقیمی ، ۱۳۸۵ ، ص ۵۲) .

۴- **علاقه مندی افراد توفیق طلب به توفیق شخصی و درونی بیش از پاداش بیرونی و پول و یا قدر دانی و ... است .**

« **مک کله لند** » در تحقیقات خود نتیجه گیری نمود که نیاز به توفیق ، انگیزه اصلی توسعه اقتصادی در کشورها بوده و در تصمیم گیری خود برای کارآفرین شدن تأثیر به سزایی دارد . وی در تحقیقات خود چنین نتیجه گیری نمود که نیاز به توفیق

درافرادی که فعالیت‌های اقتصادی خود را آغاز می‌نمایند بالاتر می‌باشد. در تئوری مک کله لند توجه عمده بر نیاز به موفقیت است. (احمد پور و مقیمی، ۱۳۸۵، ص ۵۱).

۱-۳ • تمایل به ریسک و مخاطره پذیری (Risk – Taking Propensity) :

تمایل به مخاطره پذیری عبارت است از: پذیرش مخاطره های معتدل که می‌توانند از طریق تلاش‌های شخصی مهار شوند. هنگام در نظر گرفتن هرگونه مخاطره، دو عنصر در ایجاد این مفهوم نقش دارند، یکی سطح درک فرد کارآفرین از مخاطره در آغاز فعالیت مخاطره آمیز. و دیگری احتمال شکست در صورت نا موفق بودن آن فعالیت. (احمد پور، ۱۳۸۴، ص ۸۴ به نقل از بروکهاوس، ۱۹۸۰، ص ۶۷).

بعبارت دیگر، کارآفرینان اشخاص میانه رو هستند که حساب شده ریسک می‌کنند، آنان لزوماً در پی فعالیت‌هایی نیستند که مخاطره زیادی داشته باشد. بلکه مایل اند مقدار متوسط از مخاطره را که برای شروع یک کسب و کار، معمولی تلقی می‌شود، بپذیرند... (احمد پور و مقیمی، ۱۳۸۵، ص ۵۶). و در این حد حاضر می‌شوند تا پول، امنیت، شهرت و موقعیت خود را به مخاطره بیندازند. هرگز چنین نیست که آنان ریسک‌های غیرمنطقی و خطرناک کنند.

۱-۴ • گرایش به خلاقیت (Creativity) و نوآوری (Innovation) :

خلاقیت عبارت است از: توانایی تلفیق ایده‌ها به شیوه‌های منحصر بفرد برای برقراری ارتباط غیر معمول بین ایده‌های مختلف. (احمد پور و مقیمی، ۱۳۸۵، ص ۵۸). بعبارت دیگر، خلاقیت یعنی، همانا توانایی خلق ایده‌های جدید است، که این ایده‌ها ممکن است به محصولات یا خدمات جدید نیز منجر شوند. (احمد پور، ۱۳۸۴، ص ۸۸). و برخی آن را توانایی هستی بخشیدن به پدیده‌ای جدید تعریف کرده‌اند. (احمد پور، ۱۳۸۴، ص ۸۸ به نقل از ادواردز، ۱۹۶۸، ص ۴۳۵).

نوآوری عبارت است از: فرآیندها به کارگرفتن یک ایده خلاق و تبدیل آن به یک محصول، خدمت یا شیوه مفید است. (احمد پور و مقیمی، ۱۳۸۵، ص ۵۸)

بعبارت دیگر، خلاقیت بر توانایی تأکید دارد نه فعالیت. فرد ممکن است ایده‌ای جدید و چگونگی استفاده از آن را مطرح کند، اما لزوماً اقدام ضروری برای تبدیل آن به یک واقعیت را صورت ندهد. خلاقیت پیش نیاز نوآوری است و ایده‌ها به خودی خود ارزش چندانی ندارند، مگر این که تبدیل به محصول یا خدمت یا فرآیندی جدید شوند.

بطور کلی برای ارائه تعریف دقیقی از خلاقیت، باید ابتدا نوآوری را مشخص کرد. نوآوری همانا ارائه محصول، فرآیند و خدمات جدید به بازار می‌باشد و خلاقیت نیرویی است که در پس نوآوری نهفته است. هم خلاقیت و هم نوآوری، از جمله اجزاء

^۱ - با توجه به این که موضوع کارآفرینی ارتباط تنگاتنگی با خلاقیت دارد و در واقع خلاقیت از مهمترین پیش شرط‌های کارآفرینی و جزء لاینفکی از عوامل و شرائط ظهور آن می‌باشد و از طرفی، خلاقیت، مقدمه نوآوری می‌باشد لذا در بخش بعدی بطور مشروح و مفصل به این موضوع خواهیم پرداخت.

پروردگار برایشان دست یافتنی است ... (احمد پور و مقیمی ، ۱۳۸۵ ، ص ۶۱) . بیشتر کارآفرینان را دارای مرکز کنترل درونی توصیف نموده اند ... آنها معتقدند که شکست ها و پیشرفت ها تحت کنترل و نفوذ خودشان است و خود را در نتایج عملکردشان موثر می دانند .

۱-۷ نیاز به استقلال :

... در واقع نیاز به استقلال را می توان به صورت عبارتی نظیر « کنترل داشتن بر سرنوشت خویش ، کاری را برای خود انجام دادن ، و آقای خود بودن » تعریف کرد ... نیاز به استقلال همان چیزی است که روان شناسان آن را سلطه جویی درونی می نامند . سلطه جویی درونی آن است که فرد احساس کند شخصاً بر سرنوشت خویش احاطه دارد ... در واقع نیاز به استقلال ، عاملی است که سبب می شود تا کارآفرینان به اهداف و رویا های خود دست یابند ...

بیشتر کارآفرینان ساعات زیادی را در روز کاری کنند اما رضایت آنها از آنجا حاصل می شود که علی رغم محدودیت های اقتصادی و محیطی ، خود تصمیم می گیرند کارها را به شیوه خود انجام می دهند ، طبق برنامه خود عمل می نمایند و سودی که خود ایجاد نموده اند را برداشت می کنند ... (احمد پور ، ۱۳۸۴ ، ص ۸۷ به نقل از جینینگر ، کاکس و کوپر ، ۱۹۹۴ ، ص ۱۱۸) .

۱-۸ تحمل ابهام (Ambiguity Tolerane) :

قدرت تحمل ابهام عبارت است از: پذیرفتن عدم قطعیت بعنوان بخشی از زندگی ، توانایی ادامه حیات با دانشی ناقص در باره محیط و تمایل به آغاز فعالیتی مستقل بی آنکه مشخصاً بداند آیا موفق خواهد شد یا خیر. به نظر می رسد که کارآفرینان به مراتب بیش از مدیران شرکتهای ، قدرت تحمل ابهام را داشته باشند . (فرای ، ۱۹۸۳ ، ص ۶۰) . کارآفرینان بدون اینکه احساس تهدید یا ناراحتی نمایند قادرند تا بطور اثربخش با شرایط و اطلاعات مبهم ، ناقص ، غیر قطعی ، سازمان نیافته و غیر شفاف روبرو شوند (جینینگر ، ۱۹۹۴ ، ص ۱۵۹) و ضمن رفع ابهامات ، آنها را به نفع خود تغییر دهند ... (احمد پور ، ۱۳۸۴ ، ص ۸۹) .

... در مجموع می توان گفت قسمت اعظم صفات کارآفرینان اکتسابی و فرد می تواند با سعی و تلاش این

خصوصیات را در خود بوجود آورد . (سعیدی کیا ، ۱۳۸۶ ، ص ۲۹) .

۲- رویکرد رفتاری (Behavior Approach)

برخلاف رویکرد روانشناختی که برویژگی های شخصیتی کارآفرین تأکید دارد ، رویکرد رفتاری بر فعالیت های کارآفرین تأکید دارد ... در این دیدگاه ، ویژگی های شخصیتی کارآفرین ، تابع رفتار اوست و در پاسخ به این سوال که ، کسب و کار جدید چگونه به وجود می آید؟ ، علاوه بر ویژگی های شخصیتی که در رویکرد ویژگی ها مورد تأکید است . به عوامل محیطی و ویژگیهای رفتاری فرد ، همچون تجارب و سوابق شخصی و فردی (ویژگی های جمعیت شناختی) نیز ، توجه می شود ...

(احمد پور و مقیمی ، ۱۳۸۵ ، ص ۶۵) . بعبارت دیگر ، در این دیدگاه ویژه گی های شخصیتی کارآفرین تابع رفتار او است و به دنبال یافتن پاسخ به این سوال می باشد که « چگونه یک شرکت نوپا به وجود می آید ؟ » (احمد پور ، ۱۳۸۴ ، ص ۱۰۳) .

رویکرد رفتاری کارآفرینان را می توان به دودسته کلی به شرح زیر تقسیم کرد :

۲-۱-۰ ویژگی های مرتبط با سابقه و پیشینه

در مورد ارتباط بین ویژگی های مرتبط با سابقه ی فردیا ویژگی های فردی و تصمیم به کارآفرین شدن ، مطالعات متعددی صورت گرفته است . برخی زمینه های مهمی که بررسی می شوند عبارتند از: سن ، شریط زندگی در دوران زندگی ، سال ازدواج ، تعداد مشاغل قبلی ، عضویت در سازمانهای حرفه ای و تجاری ، درحاشیه قرارگرفتن (درجامعه) به دلایل جسمانی و اجتماعی ، سالهای آموزش رسمی ، حمایت های جانبی ازسوی خانواده یا مدیرقبلی و اعتقاد به اخلاقیات و وجدان کاری . (احمد پور و مقیمی ، ۱۳۸۵ ، ص ۶۵) . درذیل تنها به سه مورد از مهم ترین آنها اشاره شده است .

۲-۱-۱-۰ شرایط کودکی

۲-۱-۲-۰ تحصیلات

۲-۱-۳-۰ پایگاه اجتماعی پایین

۲-۱-۱-۰ شرایط کودکی :

همه ادعان دارند که تجربیات کودکی تأثیرات بسزایی درزندگی آینده فرد دارد ، به همین دلیل ، مطالعات زیادی درمورد شرایط کودکی کارآفرینان صورت گرفته است ، نتایج یکی از این مطالعات نشان می دهد که (۷۴ /) درصد از کارآفرینان در دوران کودکی خود وقایع حساسی همچون : فقر، عدم امنیت ، مرگ والدین یا جدایی آنان را تجربه کرده اند . . .

روان شناسان معتقدند که پنج سال اول زندگی بیشترین تأثیررا درزندگی شخص دارد . . . مطالعات مربوط به گذشته ی کارآفرینان موفق نشان می دهد که آنان از خانواده هایی که ارزش خاصی برای استقلال و اتکا به خود قائل اند ، بیرون می آیند . اکثر کارآفرینان در کودکی یاد گرفته اند که خودشان لباس بپوشند ، از خیابان بگذرند و دوستان خود را انتخاب کنند . برای استفاده ی بهینه از اوقات فراغت یاد گرفته اند که چگونه از دستهای خود برای کارهای دستی و هنر استفاده کنند و با تشویق والدین خود مواجه شده اند ، و در صورت تنبلی ، تقاضاهای بی جا و خرابکاری ، والدین به آنان پاداشی نداده اند . . . (احمد پور و مقیمی ، ۱۳۸۵ ، ص ۶۶-۶۵) .

۲-۱-۲-۰ تحصیلات :

یکی از موضوعات مورد توجه محققان ، این بوده است که آیا کارآفرینان ، کارآفرین متولد می شوند یا اینکه از طریق آموزش ، کارآفرین می شوند ؟ ، برخی از پژوهشگران دریافتند که قبل از ورود به جامعه اطلاعاتی ، تحصیلات و آموزش اهمیت کمتری

برای کارآفرینان داشت ، اما در عصر اطلاعات ، به دلیل رشد بالای فناوری و رقابت شدید ، آموزش اهمیت خاصی پیدا کرده است ،^۱ در گذشته ، افسانه ای شایع بود که برطبق آن ، کارآفرینان ویژگی هایی ذاتی دارند که عبارتند از: ابتکار، روحیه ی تهاجمی ، تحرک ، تمایل در به کارگیری ریسک ، توان تحلیل و مهارت در روابط انسانی ، بنابراین ، فرض اساسی این بود که کارآفرینان از طریق آموزش ، پرورش نمی یابند ، اما امروزه . . . به کارآفرینی به عنوان رشته ای علمی توجه شده است ، رشته علمی کارآفرینی همانند تمامی رشته های دیگر، دارای مدلها ، فرآیندها و مواردی است که باید دانش مربوط به آن را کسب نمود . . . مبحث کارآفرینی می تواند ، بعنوان یکی از دروس دانشگاهی به دانشجویان آموزش داده شود تا بتوانند قابلیت های خود را اریابی و توسعه دهند . . . (احمد پور و مقیمی ، ۱۳۸۵ ، ص ۶۷-۶۶) .

۲-۱-۳ . پایگاه اجتماعی پایین :

قرارنگرفتن فرد در پایگاه اجتماعی مورد انتظار نیز، سبب می شود تا فرد نسبت به اقدام کارآفرینانه انگیزش نشان دهد . برای مثال ، می توان « جاحظ » ادیب بزرگ عرب را نام برد . . . او بسیار کزیه و زشت منظر بود و تا آخر عمر ازدواج نکرد ، زیرا هیچ زنی حاضر نبود او را به همسری برگزیند . روزی در بازار، اشاره ی خانمی توجهش را جلب کرد . بسیار به وجد آمد و درعین نا باوری ، به دنبال او به راه افتاد ، پس از گذشتن از گذرگاه های متعدد و کوچه های پرپیچ و خم بازار، به یک مغازه ی جواهرفروشی رفتند . آن خانم وارد مغازه شد و پس از گفت و گویی کوتاه با جواهرفروش، با انگشت دست ، جاحظ را به او نشان داد و از مغازه خارج شد . جاحظ که از قضیه سردرنیورده بود ، وارد مغازه شد و از جواهرفروش پرسید : آن خانم چه گفت؟ جواهرفروش پاسخ داد : این خانم یک انگشتری سفارش داده بود که می خواست روی آن نقش دیو باشد . وقتی به او گفتم من دیو ندیده ام ، گفت نگران نباش ، من برایت می آورم . اکنون تو را آورده است .

^۱ - در مجموع جوامع بشری سه مرحله ی تکاملی را پشت سر گذاشته اند که عبارتند از :

۱- جامعه ی سنتی (Traditional Society)

۲- جامعه ی صنعتی (Industrial Society)

۳- جامعه ی فرا صنعتی یا اطلاعاتی (Information Society) .

در جامعه ی سنتی ، بشر عمدتاً نیازهای خود را از طریق شکار و کشاورزی تأمین می کرد و صاحبان کسب و کار از یک رشته آداب و رسوم و هنارهای مشخصی پیروی می کردند و کمتر کسی به فکر تغییر و تحول بود و توانایی افراد در تأمین نیازها به زور بازو و کاریدی بستگی داشت و ارزش افزوده صرف ساخت و ساز کاخ ها می شد . با پیدایش انقلاب صنعتی ، کسب و کارها شروع به رشد کردند و کارفکری نیز به عنوان مکمل کاریدی مطرح شد . در این دوره که آن را جامعه ی صنعتی می نامند ، میل به ابداع و خلاقیت در بشر افزایش یافت و کم کم شخصیت هایی ظهور کردند که در پی ارضای کنجکاوی و کشف موضوع جدید بودند . این افراد ، خصلت های مشخصی داشتند و از خطرپذیری لذت می بردند . [این عاملان تغییر ، شخصیت و روحیه ای داشتن که امروزه اصطلاحاً « کارآفرین » نامند می شوند] .

در جامعه ی صنعتی اصالت به ماده و انرژی داده شد و حرکت و توان در این دوره شتاب گرفت و موتور بخار و ماشینهای پیچیده تر اختراع شدند . با سرمایه گذاری زیاد گروهی به عنوان الگوهای کسب و کار ظهور کردند که نتیجه ی این دوره ، معرفی صاحبان صنایع بزرگی همچون فورد بود .

در عصر حاضر که آن را جامعه ی فرا صنعتی یا اطلاعاتی نامیده اند (البته عناوین مختلف دیگری همچون عصر ارتباطات ، انقلاب امواج ، انقلاب انفورماتیک و عصر دانایی نیز ، بر این دوره نهاده اند) سرعت تغییر و تحولات به گونه ای است که از آن به عنوان شکفتی های سرعت و تحولات نام می برند . در این دوره ، از اهمیت کاریدی کاسته شده و به جای آن ، نیروی انسانی کیفی که توان خلاقیت و نوآوری ، با به کارگیری فکرو اندیشه دارد ، اهمیت پیدا کرده است . در چنین فضائی که تفکرو اندیشه عامل تمایز و برتری است ، جوامعی می توانند توسعه یابند که از منبع انسانی که منشأ فکرو ایده است و حیاتی ترین عامل تولید محسوب می شود ، حداکثر بهره برداری را کنند . (احمد پور و مقیمی ، ۱۳۸۵ ، ص ۱۶-۱۵) .

جاحظ شهامت برخورد با این واقعیت را داشت و تصمیم گرفت زندگی خود را با کسب علم و دانش پربار سازد تا این نقص ، موجبات عقب ماندگی او را فراهم نیاورد و سرانجام به عنوان بزرگترین ادیب عصر خود ، متجاوز از صد کتاب و رساله به رشته تحریر درآورد .

بنابراین ، گاهی اوقات در حاشیه قرار گرفتن و پایین بودن جایگاه و منزلت فرد در جامعه ، فرد را وادار می دارد تا با تلاش و کوشش بیشتر ، به جبران عقب ماندگی خود بپردازد و ظرفیت های درونی خود را تقویت کند و شکوفا سازد . . (احمد پور و مقیمی ، ۱۳۸۵ ، ص ۶۷) .

۲-۲ • ویژگی های تجربی

این ویژگی ها می توانند تأثیر بسزایی در تصمیم فرد برای کارآفرین شدن داشته باشند . برای مثال ، از جمله ویژگی ها می توان داشتن تجربه کاری در حرفه ای را نام برد که کارآفرین مستقلاً آن را دنبال می نماید ، از جمله عوامل دیگری که از تجارب فرد ناشی می شود می توان به همنشینی شخص با افرادی اشاره کرد که می توانند تأثیر بسزایی در تصمیم وی به کارآفرین شدن داشته باشند که به این عامل « الگوی نقش » گفته می شود . نارضایتی از شغل یا اخراج از کار نیز ، از عوامل تجربی هستند که می توانند تأثیر زیادی بر تصمیم فرد برای کارآفرین شدن داشته باشند (احمد پور ، ۱۳۸۴ ، ص ۱۰۶ به نقل از بروکهاوس ، ۱۹۸۰ ، ص ۳۷۳) .

ذیلاً به بررسی برخی از مهمترین آنها خواهیم پرداخت .

۲-۲-۱ • الگوی نقش

۲-۲-۲ • تجربه کاری

۲-۲-۳ • نارضایتی از شغل قبل

۲-۲-۱ • الگوی نقش :

صاحب نظران علم ارتباطات بر این باورند که اگر کسی در این جهان فضیلتی را کسب کرده که مطلوب دیگران است ، دیگران نیز ، می توانند همان فضیلت را بدست آورند ، در صورتی که مایل به پرداخت هزینه ی زمانی و تلاش لازم برای آن باشند . به دیگر سخن ، اگر کسی خواهان موفقیت است ، تنها باید کسانی را که موفقیت کسب کرده اند الگو قرار دهد . . . الگوگیری ، مطمئناً چیز جدیدی نیست . هر مخترع بزرگی ، اکتشافات دیگران را به صورت الگو درمی آورد . تا به کشفی جدید دست یابد کودکان نیز ، دنیای اطراف و به ویژه افراد مهم را در زندگی خود الگو قرار می دهند . و رفتارها و گفتارهایش را در ذهن خود ثبت و ضبط می کنند . همین رفتارها بخشی از رفتارهای آنان را در بزرگسالی شکل می دهد . ولی مشکل اصلی این است که بیشتر آدم ها سطحی و کاملاً تصادفی الگوگیری می کنند . رفتارهای بی اهمیت این و آن را به طور تصادفی انتخاب می کنند و الگو قرار می دهند ، در حالی که یک صفت بسیار مهم تر را از دست می دهند . . .

درفرهنگ اسلامی امام به معنای الگوه و اسوه است و مردم باید الگوهای رفتاری و نوع اعمال امام را الگوگیری کنند ، تا در مسیرکمال قرارگیرند . مهم ترین شأن پیامبر اسلام (ص) و امامان معصوم (ع) برای بشریت ، الگو بودن است ، خداوند سبحان درقرآن کریم بیان می فرماید که رسول اکرم (ص) برای مردم ، مقتدایی پسندیده است « لقدکان لکم فی رسوالله اسوه حسنه » .

امیرمؤمنان (ع) می فرماید : « آگاه باش هرپیروی کننده ای راپشوایی است که از او پیروی می کند و به نور دانش او روشنی می جوید . » امام علی (ع) که خود درالگوگیری حرفه ای است و راهروی بوده که رهبرشده است ، درکیفیت الگوگیری خود از پیامبراسلام (ص) چنین می فرماید : « من به دنبال او می رفتم ، مانند رفتن بچه شتربه دنبال مادرش . درهرروزی ازخوهای خود پرچم و نشانهای برمی افراشت و پیروی ازآن را به من امرمی فرمود » . (احمد پور و مقیمی ، ۱۳۸۵ ، ص ۶۹-۶۸) .

حافظ شیرازی نیزازاین رواست که می گوید :

ای بی خبر بکوش تا صاحب خبر شوی تا راه رو نباشی کی راهبر شوی

۲-۲-۲۰ تجربه کاری :

مطالعات نشان می دهد کارآفرینانی که کارخود را آغازمی کنند دارای تجربه ی قبلی اند ... (احمد پور و مقیمی ، ۱۳۸۵ ، ص ۶۹) .

تعدادی ازمحققین گزارش داده اند که کارآفرینان درصنعتی که کارخود را درآن آغازکرده اند ، دارای تجربه ی قبلی هستند ، تجربه ی کاری قبلی ... همبستگی مثبتی با موفقیت دارد . (وین راج Weinrauch . D ، ۱۹۸۱ ، ص ۷۵) ... کوپر (C . Cooper) درتحقیقات خود دریافت که بیش از ۹۷ درصد شرکتهای جدید که درزمینه هایی با فناوری بالا (High – Tech Industries) فعال هستند ، حداقل دارای یک مؤسس بوده اند که قبلاً درهمان صنعت کارکرده و تقریباً ۸۵ درصد شرکتهای جدید دارای کالاهای خدمات اولیه ای بوده اند که درآنها ازتجربه ی فنی قبلی مؤسسین استفاده شده است . ازاینرو ، اکثریت کارآفرینان جدیدخواه موفق خواه ناموفق درصنعت خود ، دارای تجربه قبلی بوده اند (احمد پور ، ۱۳۸۴ ، ص ۱۰۶ به نقل ازجینگز و دیگران ، ۱۹۹۴ ، ص ۴۴) .

۲-۲-۳۰ نارضایتی ازشغل قبل :

... نارضایتی ، علت اصلی دورشدن فرد ازشغل خود است . نارضایتی ازشغل قبلی ، حاکی ازچند موضوع است :

الف - این که بیشترکارآفرینان فعالیت خود را با کارکردن برای شخص دیگری آغاز می کنند .

ب- تنها درصورتی ازاین وضعیّت خارج می شوند که نیازهایشان ارضا نشود .

البته عدم شناخت کارفرما ازروحیه ی کارآفرینانه ی فرد ، اسباب نارضایتی وی را فراهم می آورد . این مسئله نه تنها کارفرما را ازداشتن یک نیروی فعال وکارآموده محروم می کند ، بلکه اغلب ، رقابت جدیدی را نیزبرای خود او ایجاد می کند . زیرا بیشترکارآفرینان ، فعالیت های کارآفرینانه را درزمینه هایی که ازقبل با آن ها آشنا بوده اند آغاز می کنند . (احمد پور و مقیمی ،

۱۳۸۵ ، ص ۷۰) .